**به‌نام خدا**

**دایرةالمعارف   
جنبش‌های دینی نوظهور**

**شناس‌نامه**

**فهرست**

[مقدمۀ مترجم **7**](#_Toc56376343)

[دایرة‌‌المعارف جنبش‌های دینی نوظهور **45**](#_Toc56376344)

[سخن ناشر **47**](#_Toc56376345)

[دربارۀ دایرة‌المعارف جنبش‌های دینی نوظهور **47**](#_Toc56376346)

[درآمد **49**](#_Toc56376347)

[ادیان نوظهور به‌مثابة پدیده‌ای جهانی **49**](#_Toc56376348)

[منابع و مآخذ درآمد **59**](#_Toc56376349)

[طرز استفاده از این دایرة‌‌المعارف **61**](#_Toc56376350)

[فهرست مدخل‌ها **69**](#_Toc56376351)

[مدخل‌ها **99**](#_Toc56376377)

[A **99**](#_Toc56376378)

[B **171**](#_Toc56376379)

[C **214**](#_Toc56376380)

[D **288**](#_Toc56376381)

[E **309**](#_Toc56376382)

[F **349**](#_Toc56376383)

[G **375**](#_Toc56376384)

[H **413**](#_Toc56376385)

[I **458**](#_Toc56376386)

[J **484**](#_Toc56376387)

[K **495**](#_Toc56376388)

[L **512**](#_Toc56376389)

[M **569**](#_Toc56376390)

[N **625**](#_Toc56376391)

[O **676**](#_Toc56376392)

[P **695**](#_Toc56376393)

[Q **723**](#_Toc56376394)

[R **725**](#_Toc56376395)

[S **775**](#_Toc56376396)

[T **861**](#_Toc56376397)

[U **905**](#_Toc56376398)

[V **924**](#_Toc56376399)

[W **946**](#_Toc56376400)

[Y **969**](#_Toc56376401)

[Z **979**](#_Toc56376402)

**نمایه 993**

مقدمۀ مترجم

باتوجه‌به رشد فزایندۀ جنبش‌های دینی‌ ـ معنوی نوظهور در جامعۀ ایران و علی‌رغم آسیب‌ها و تهدیدات جدی ناشی از روند نفوذ و تأثیر این جنبش‌ها در بافت مذهبی و بدنۀ سنتی اقشار مختلف جامعۀ ایران، به‌خصوص اقشار جوان و دانشجو، متأسفانه هنوز نه در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور چنان‌که بایدوشاید به امر آموزش و پژوهش علمی و مبتنی‌بر منابع اصلی و یافته‌های میدانی اهتمامی شده و می‌شود و نه مراکز امنیتی و نهادهای به‌اصطلاح محافظ به این مهم توجه چندانی کرده و می‌کنند. این‌جانب حدود یک دهه است که هم به منحنی رشد و چگونگی تأثیر این جنبش‌ها در کشور با مراقبت می‌نگرم و هم به روند آموزش و پژوهش و اقدامات عملی مقابله‌‌گرانه نسبت به این جنبش‌ها در کشور و در سطح جهان توجه خویش را معطوف داشته‌ام، اما مع‌‌الأسف به حرکتی علمی، سازمان‌‌یافته، جدی و دل‌سوزانه، و البته همه‌‌جانبه دراین‌خصوص در دستگاه‌های علمی و اجرایی کشور برنخورده‌ام.

شاید یکی از نقاط ضعف اساسی دراین‌باره ـ که همواره به‌سهم خود دغدغۀ برطرف‌ساختن آن را داشته‌ام ـ فقدان منابع اصلی و دست‌اول بوده که کار مطالعۀ مستند و علمی و غیرژورنالیستی این جنبش‌ها را با چالشی جدی و چشم‌گیر مواجه ساخته است. باور نگارنده این است که ترجمۀ توأم با تحقیق دایرة‌المعارف جنبش‌های دینی نوظهور، ویراست پیتر کلارک، ازآن‌جهت‌که بخش قابل‌توجهی از خلأ منابع را برطرف می‌کند و کتاب راه‌نمای جامع و تقریباً کم‌‌نظیری را دراختیار محققان، دانشجویان و طلاب، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، مراکز علمی و پژوهشی، سازمان‌های ذی‌‌ربط تبلیغی و امنیتی فراهم می‌کند می‌تواند گامی مثبت در جهت کاهش شکاف مزبور تلقی شود. این کتاب با حجمی حدود هزار صفحه، به معرفی و بیان مختصات بیش از چهارصد جنبش دینی ـ معنوی شرقی و غربی در سراسر جهان می‌پردازد و اطلاعات تخصصی موثق و مستوفایی دربارۀ این جنبش‌ها ارائه می‌کند.

ترجمۀ کامل متن انگلیسی **و**نگارش مقدمه‌ای تحقیقی دربارۀ کتاب و مفاد آن به‌هم‌راه درج پی‌‌نگاشت‌های تکمیلی و تحقیقی دربارۀ اعلام و اصطلاحات تخصصی و موضوعات و مطالب گوناگون کتاب از جملۀ اهداف این‌جانب در طرح پژوهشی حاضر خواهد بود.

مقدمۀ حاضر در دو بخش تنظیم شده است؛ در بخش اول ویژگی‌های کلی جُدِن‌‌ها شامل اصطلاح‌‌شناسی، گونه‌‌شناسی، خاستگاه و دلایل گسترش، چالش‌ها و مسائل، اهمیت و جایگاه، تعامل فرهنگی و اجتماعی، علل گرایش، علل اقبال جامعه و راه‌کارهای مواجهه با آن‌ها موردبحث قرار می‌گیرد. در بخش دوم، علاوه‌بر اشاره‌ای گذرا به پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران در مورد جُدِن‌‌ها، به معرفی نویسنده و کتاب موردترجمه می‌‌پردازیم؛ هم‌چنین ملاحظاتی انتقادی در مورد کتاب و روش مترجم در ترجمۀ کتاب را مطرح خواهیم کرد.

بخش اول: ویژگی‌های کلی جُدِن‌‌ها

موج کنونی جنبش‌های دینی نوظهور (جُدِن‌‌ها) که ریشه در عوامل فکری، فرهنگی، و حتی سیاسی و اقتصادی داشت و پس از جنگ جهانی دوم در غرب قابل‌مشاهده شد با بیش‌تر قریب‌به‌اتفاق امواج قبلی تفاوت دارد، به‌طوری‌که این جنبش‌ها نه‌تنها از سنت یهودی/ مسیحی، بلکه از سنت‌هایی دیگر (مانند هندوییسم، بودیسم، اسلام، شینتوییسم، و الحادگرایی) و از فلسفه‌ها یا عقاید دوران اخیر (مانند روان‌کاوی یا داستان‌های علمی ‌ـ تخیلی) ناشی می‌شوند. اگرچه بحث در این‌جا به‌‌ویژه بر وضعیت جُدِن‌‌ها در اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزیلند متمرکز است، در بررسی حاضر، به‌اختصار توجه خود را به رشد جُدِن‌‌ها در آفریقا، ژاپن (که اخیراً از گسترش ادیان جدید در آن سخن گفته می‌شود)، آمریکای لاتین، اروپای شرقی، و کشورهای به‌لحاظ سنتی مسیحیِ اتحادیۀ جماهیر شوروی سابق نیز معطوف ساخته‌ایم.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نگران‌‌کننده تنوع بسیار زیادی است که در بین این جنبش‌ها یافت می‌شود. علاوه‌براین، اگرچه برخی از ویژگی‌ها (شبیه به همان ویژگی‌هایی که غالباً در هر دین جدیدی یافت می‌شوند) خود را در جُدِن‌‌های اواخر قرن بیستم آشکار کرده‌اند، بسیاری از جنبش‌ها درحال‌حاضر دارای اعضایی از نسل دوم و یا حتی نسل سوم هستند و دست‌خوش تغییراتی شده‌اند که «ویژگی‌های فرقه‌ای» اصلی آن‌ها را رقیق کرده‌اند. همان‌گونه‌که پس از این خواهیم دید، اهمیت آماری جنبش‌ها به‌اندازۀ اهمیت اجتماعی یا فرهنگی آن‌ها نیست و بسیاری از وجوه این اهمیت در واکنش جوامع به جُدِن‌‌ها نهفته است.

ظهور و گسترش فرقه‌ها یا جنبش‌های دینی نوظهور پدیده‌ای قابل‌توجه در تاریخ دینی دوران ماست. این فرقه‌ها یا جنبش‌های دینی نوظهور با نشاط قابل‌توجهی عمل می‌کنند. برخی از آن‌ها از طبیعت باطنی برخوردار و برخی دیگر براساس تفسیر موردنظر خود از کتاب‌های مقدس شکل گرفته‌اند. بسیاری از آن‌ها نیز ریشه در ادیان آسیایی یا آفریقایی دارند و حاوی ترکیبی التقاطی از عناصری گوناگون از ادیان مختلف از جمله اسلام، مسیحیت، و یهودیت هستند.

مردم عادی اغلب از عالمان دین اسلام، ربّی‌‌های یهودی، و اسقف‌های مسیحی درخواست اطلاعات و راه‌نمایی در مورد ادیان جدید می‌کنند. گاهی نیز از آن‌ها خواسته می‌شود که در مورد این پدیدۀ نگران‌‌کننده واکنش نشان دهند، اما در بسیاری از موارد، به‌دلیل فقدان اطلاعات کافی یا مستند، یا هیچ‌گونه واکنشی صورت نمی‌گیرد یا واکنش‌های افراطی صورت می‌گیرد. به ‌همین‌ دلیل، تنظیم واکنش مناسب و به‌‌دور از افراط‌وتفریط و برنامه‌‌ریزی در زمینۀ تنظیم مواجهۀ شایسته با این پدیده مستلزم کسب اطلاعات مستند و کافی در مورد اصطلاحات مربوط به جنبش‌های دینی نوظهور، گونه‌شناسی آن‌ها، مناشی و مبانی آن‌ها، دلایل گسترش آن‌ها، مشکلات ناشی از آن‌ها، و راه‌کارهای عام‌وخاص مقابله با آن‌هاست.

اکنون به‌ترتیب و به‌تفکیک به بیان این موارد می‌پردازیم:

الف) اصطلاحات

یکی از مشکلاتی که در اصطلاح‌شناسی این پدیده بروز می‌کند مشکلی است که از پیچیدگی واقعیت ناشی می‌شود. گروه‌های موردبحث ما تاحد زیادی در منشأ، باورها، اندازه، روش‌ها و ابزارهای استخدام اعضا، الگوی رفتار و نگرش نسبت به مسجد و کلیسا و کنیسه، از دیگر گروه‌های مذهبی و جامعه متفاوت به‌نظر می‌رسند. بنابراین، جای تعجب نیست که هنوز هیچ توافقی بر سر نام این گروه‌های نوظهور وجود ندارد. در این‌جا به بحث دربارۀ برخی از نام‌هایی می‌پردازیم که در اشاره به آن‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرند:

گروهک‌ها[[1]](#footnote-1)

نام «گروهک»[[2]](#footnote-2) به‌نظر می‌رسد که به‌طور مستقیم برای اشاره به گروه‌های کوچکی مورداستفاده قرار می‌گیرد که از یک گروه دینی بزرگ، مثلاً مسیحیت، منشعب شده‌‌اند و حاوی عقاید و مناسک دگرگون‌شده‌ای هستند. البته، این نام در همه‌‌جا به یک معنا به‌کار نمی‌رود. به‌عنوان مثال، در آمریکای لاتین این تمایل وجود دارد که این نام را به همۀ گروه‌های غیرکاتولیک اطلاق کنند، حتی اگر این گروه‌ها شامل خانواده‌های کلیساهای سنتی پروتستان باشند، اما حتی در آمریکای لاتین و در محافلی که به حفظ وحدت کلیساهای مسیحی حساس‌ترند نیز از نام گروهک برای گروه‌های افراطی‌تر و تهاجمی‌تر استفاده می‌شود. این واژه در اروپای غربی بار معنایی منفی دارد، درحالی‌که در ژاپن ادیان جدید شینتو یا بودایی‌‌تبار، آزادانه و در مفهومی غیرموهن، گروهک نامیده می‌شوند.

جنبش‌های دینی نوظهور[[3]](#footnote-3)

اصطلاح «جنبش‌های دینی نوظهور (جُدِن‌‌ها)» وقتی در اشاره به این گروه‌های نوپدید دینی به‌کار می‌رود خنثی‌تر از اصطلاح «گروهک‌ها» است. آن‌ها را نوظهور می‌نامند نه‌فقط به این دلیل که آن‌ها خود را پس از جنگ جهانی دوم در قالبی جدید نشان می‌دهند، بلکه هم‌چنین به این دلیل که آن‌ها خود را به‌عنوان جای‌گزین‌هایی برای ادیان رسمی رایج و فرهنگ غالب شناسانده‌اند. آن‌ها را به این دلیل دینی می‌نامند که به‌طور رسمی به ارائۀ چشم‌اندازی از جهان مذهبی یا مقدس می‌پردازند یا ابزاری برای رسیدن به اهدافی دیگر مانند معرفت متعالی، اشراق معنوی، یا خودپروری به‌شمار می‌روند یا به این دلیل که برای پرسش‌های اساسی اعضای خود پاسخ‌هایی را فراهم می‌آورند.

نام‌های دیگر

این جنبش‌ها یا گروه‌ها را گاهی ‌اوقات ادیان جدید[[4]](#footnote-4)، ادیان حاشیه‌‌نشین[[5]](#footnote-5)، جنبش‌های دینی آزاد[[6]](#footnote-6)، جنبش دینی جای‌گزین[[7]](#footnote-7)، گروه‌های دینی حاشیه‌‌نشین[[8]](#footnote-8)، یا (به‌خصوص در مناطق انگلیسی‌‌زبان) فرقه‌ها[[9]](#footnote-9) نیز می‌نامند.

اما در ایران از نام‌هایی نظیر جنبش‌های نوپدید دینی/ معنوی، ادیان کاذب، ادیان انحرافی، شبه‌‌عرفان‌ها/ معنویت‌ها، عرفان‌های دروغین، و امثال این نام‌ها استفاده می‌شود که نشان‌‌دهندۀ بار بسیار منفی این پدیده در جامعۀ پژوهشی/ پژوهش‌گران ایران است. گفتنی است که شاید بتوان، با استفاده از مطالعات تجربی موجود، دایرۀ معنایی برخی از این نام‌ها را دقیق یا دقیق‌تر کرد و هرکدام را به یک گونه از واقعیت پیچیدۀ یادشده اختصاص داد، اما به‌نظر می‌رسد، بااین‌که بعضی از این اصطلاحات در فضای آکادمیک دایرۀ مشخصی دارد، در فضای ژورنالیستی کشور بادقت از این اصطلاحات استفاده نمی‌شود.

مثلاً تمایز جدی و مشخصی بین معنویت جدید، ان آر ام، و ان‌ ای آر وجود دارد، اما بعضاً به آن دقت نمی‌شود.

اکنون پرسش این است که در مقام بحث و پژوهش در مورد این جنبش‌ها، از چه اصطلاح/ اصطلاحاتی باید استفاده کرد؟

پاسخ این است که، ازآن‌جاکه تقریباً هیچ اصطلاح پذیرفته‌شدۀ جهانی در این مورد وجود ندارد، باید تلاش کنیم که تاآن‌جاکه ممکن است از این اصل تبعیت کنیم که اصطلاحی را که موردجعل یا قبول قرار می‌دهیم حتی‌‌الامکان جانب عدالت و دقت توأمان در آن رعایت شده باشد. درنتیجه، در این نوشتار نیز هم به‌جهت رعایت مطابقت با عنوان کتاب و هم به‌لحاظ رعایت اصل فوق، از اصطلاح «جنبش‌های دینی نوظهور» با علامت اختصاری «جُدِن‌‌ها» استفاده خواهیم کرد.[[10]](#footnote-10) اصطلاح جُدِن‌ها، درعین‌حال، به‌دلیل‌آن‌که اصطلاحی خنثی و به‌اندازۀ لازم و کافی کلی و عام است، همۀ جنبش‌های جدید با منشأ‌‌های دینی مختلف از جمله اسلامی، مسیحی و یهودی، فرقه‌های پروتستان، گروهک‌هایی با پس‌‌زمینۀ مسیحی، جنبش‌های جدید شرقی و غربی یا آفریقایی، و جنبش‌هایی از نوع عرفانی و گنوسی یا باطنی را نیز دربر می‌گیرد.

ب) گونه‌‌‌شناسی جُدِن‌‌ها

دربارۀ طبقه‌‌بندی و تقسیم‌‌بندی گونه‌های مختلف جُدِن‌ها دیدگاه‌های گوناگونی عرضه شده است. یک نمونه از تقسیم‌‌بندی‌های نسبتاً جامع و گویا از سوی الیزابت آروِک[[11]](#footnote-11) پیش‌نهاد شده است.

بنابر تقسیم‌بندی هفت‌گانۀ او، جنبش‌های دینی نوظهور تحت مقولات زیر می‌گنجند:

1. گروه‌هایی که از سنن شرقی الهام گرفته‌اند؛ مانند جُباک، ساتیا سای بابا، ساجا یوگادوستان نظام‌ بودیست غربی، برهماکوماری‌‌ها و مراقبۀ متعالی؛
2. گروه‌هایی که از بافت مسیحی برخاسته‌اند؛ مانند کلیسای متحد، کلیسای جهانی خدا، سپاه عیسی، کلیسای مسیح و خانواده؛
3. گروه‌هایی که در کشوری خاص ریشه گرفته‌اند؛ مانند ادیان جدید ژاپنی همانند سوکا گاکای، مؤسسۀ تحقیق در سعادت بشر؛
4. گروه‌هایی که از تعالیم باطنی مشتق شده‌اند؛ مانند اکنکار،‌ بشاره، گورجیف، اوسپنسکی؛
5. گروه‌هایی که آن‌ها را خود ـ دین می‌خوانند؛ مانند شبکۀ مراکز یا اِست، تربیت زندگی، کنترل ذهن سیلوا؛
6. گروه‌هایی که بر موجودات فرازمینی از جمله بشقاب‌‌پرنده‌ها متمرکز شده‌اند؛ مانند جنبش رائیل و دروازۀ آسمان (ملکوت)؛
7. گروه‌های که با جنبش عصر جدید مرتبط‌اند؛ همانند کلیسای جهانی و کلیسای فاتح.[[12]](#footnote-12)

شاید بتوانیم مواردی مانند کلیسای وحدت‌بخش، کلیسای ساینتولوژی، و جنبش علم مسیحی را که اعضای آن را معمولاً با نام «مونی» می‌شناسند در گروه دوم و بنیاد راجنیش را که هم‌اکنون به‌نام جنبش اشو شناخته می‌شود در گروه اول از گروه‌های موردنظر آروِک گنجاند.

البته می‌توان به طبقه‌‌بندی‌های دیگری نیز اشاره کرد. این طبقه‌‌بندی برمبنای غلبۀ زمینه‌های معرفتی مسیحی یا غیرمسیحی در گروه‌ها شکل می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان به دو گونه اشاره کرد:

1. گونه‌هایی با پس‌‌زمینه‌های معرفتی عمدتاً مسیحی

در معرفی گونه‌هایی با منشأ مسیحیت می‌توانیم به جنبش‌های جدید گوناگونی اشاره کنیم؛ از جمله جنبش‌های ناشی از اصلاح‌‌طلبی پروتستان، گروهک‌هایی با ریشه‌های مسیحی اما با اختلافات عقیدتی قابل‌توجه، جنبش‌های منشعب از دیگر ادیان و جنبش‌های بشردوستانه یا با پس‌‌زمینه‌های به‌اصطلاح «پتانسیل انسانی»[[13]](#footnote-13) (مانند گروه‌های عصر جدیدی[[14]](#footnote-14) و گروه‌های دینی درمانی[[15]](#footnote-15)) یا منشعب از جنبش‌هایی با پس‌‌زمینه‌های «پتانسیل الهی»[[16]](#footnote-16) که به‌‌ویژه در سنت‌های دینی شرقی یافت می‌شوند. ما جُدِن‌‌هایی را متفاوت می‌‌دانیم که از طریق تماس بین ادیان جهانی و فرهنگ‌های دینی اولیه متولد شده‌اند.

2. گونه‌هایی با پس‌زمینه‌های عمدتاً غیرمسیحی

از این گونه‌ها، چهار گروه را می‌توان تشخیص داد:

الف) جنبش‌های مبتنی‌بر متون مقدس که درنتیجه یا مسیحی یا برگرفته از مسیحیت هستند؛

ب) جنبش‌های مشتق از ادیان دیگر مانند اسلام، هندوییسم، بودیسم و دیگر ادیان سنتی که برخی از آن‌ها را به‌عنوان مثال حتی می‌توان التقاطی از عناصر مسیحی یا عناصری اسلامی یا هر دو دین دانست؛

ج) جنبش‌هایی که نشانه‌هایی از تجزیۀ عقاید اصلی دین و بازگشت به الحادگرایی را از خود به‌نمایش می‌گذارند؛

د) جنبش‌هایی که دارای عقاید گنوسی هستند.

باتوجه‌به تنوع جُدِن‌‌ها، جای طرح این پرسش هست که چه مخرج مشترکی میان آن‌ها وجود دارد؟ در تلاش برای یافتن این مخرج مشترک باید گفت که فرقه‌ها/ گروهک‌های موردبحث به‌عنوان «گروه‌های دینی با یک جهان‌‌بینی متمایز و مشتق‌شده از آموزه‌های یک دین بزرگ اما نه مترادف با آن آموزه‌ها» تعریف شده‌اند. این تعریف، از منظری پدیدارشناختی، فقط تاحدی درست است و به‌نظر نمی‌رسد که شامل جنبش‌هایی شود که از جنبش‌های انسان‌‌گرا، الحادی، یا با پس‌زمینه‌های گنوسی که برخی از جامعه‌‌شناسان ترجیح می‌دهند آن‌ها را «جنبش‌های جادویی جدید»[[17]](#footnote-17) بنامند منشعب شده‌اند.

علاوه‌براین، چنین تعریفی از هر گونه ارزش داوری در مورد آموزه‌ها، رفتارهای اخلاقی بنیان‌گذاران و پیروان جُدِن‌ها، و رابطۀ آن‌ها با جامعه پرهیز می‌کند.

از دیدگاه اعتقادی، جُدِن‌ها عمدتاً در مناطق به‌شکلی سنتی‌مسیحی عمل می‌کنند، ولی آن‌جا که خود را از جهان‌‌نگری مسیحی متمایز می‌کنند می‌توانند در چهار دسته جای گیرند: جُدِن‌هایی که به رد کلیسا می‌پردازند، جُدِن‌هایی که به رد مسیح می‌پردازند، جُدِن‌هایی که نقش خدا را رد می‌کنند (و درعین‌حال، مفهوم کلی «دین» را حفظ می‌کنند)، و جُدِن‌هایی که نقش دین را رد می‌کنند (و مفهوم تقدس را حفظ می‌کنند اما برای دست‌یابی به قدرت بر دیگران یا کیهان با عامل انسانی دست‌کاری می‌شوند).[[18]](#footnote-18)

واکنش اجتماعی علیه جُدِن‌ها به‌‌طور کلی نه‌چندان بر عقاید آن‌ها بلکه بر الگوی رفتار آن‌ها و ارتباطشان با جامعه استوار است.

بااین‌حال، نه با انتساب نگرش‌های منفی‌تر برخی به همۀ جُدِن‌ها باید به محکومیت یا تعمیم در مورد آن‌ها دست زد و نه جُدِن‌ها را در ایجاد تحول و انقلاب به‌معنای مثبت آن باید ناتوان در نظر گرفت.

جُدِن‌‌های پروتستان‌‌تبار یا به‌دلیل تبلیغ دینی تهاجمی آن‌ها که کلیسای کاتولیک را لکه‌‌دار کرده است یا به‌دلیل برنامه‌های توسعه‌‌طلبانۀ آن‌ها و استفاده از رسانه‌های جمعی به‌شکلی که شبیه تجاری‌‌سازی دین به‌نظر می‌آید واکنش‌های گوناگونی را برانگیخته‌اند.

باوجود تنوع جُدِن‌ها و موقعیت‌های محلی آن‌ها، آن‌ها موجب پدیدآمدن یک مشکل اصلی معنوی شده‌اند و آن آسیب‌‌پذیری مؤمنان از طرح‌هایی است که در تضاد با هدفی هستند که برای آن تشکیل شده‌اند.

پدیدۀ فرقه‌ها و گروهک‌ها مشکل جدی تشخیص را برای اولیای کلیسا به‌وجود آورده است. یوحنای رسول می‌گوید: «مردم عزیز، این‌که شما می‌توانید اعتماد کنید، روح چندان بزرگی نمی‌خواهد. آن‌ها را امتحان کنید تا ببینید که آیا آن‌ها از جانب خدا می‌آیند؛ اکنون، پیامبران دروغین بسیاری در جهان وجود دارند» (یوحنا، 4:1).

ج) خاستگاه و دلایل گسترش جُدِن‌‌ها

بی‌‌تردید، شکل‌‌گیری و توسعۀ جدِن‌‌ها معلول عواملی است که شناخت آن‌ها کار بررسی تنوع صوری و گوناگونی محتوایی آن‌ها را آسان‌تر می‌سازد.[[19]](#footnote-19) این عوامل عبارت‌اند از:

1. وجود نیازهای معنوی

جُدِن‌‌ها نشان می‌دهند که نیازهای معنوی‌‌ای وجود دارند که شناسایی نشد‌‌ه‌‌اند یا کلیسا و دیگر نهادهای مذهبی به درک آن‌ها نرسیده‌‌اند یا به تأمین آن‌ها نائل نشده‌اند. بسیاری از دین‌داران مسیحی، یهودی، مسلمان، و غیر آن‌ها به فرقه‌ها/ گروهک‌ها یا جُدِن‌ها می‌پیوندند؛ چراکه احساس می‌کنند که این گروه‌ها به عطش آن‌ها برای خواندن کتاب مقدس، نیایش‌ها و آوازهای مذهبی، رقص و رضایت عاطفی‌شان پاسخی عینی و روشن می‌دهند.

2. جست‌وجوی هویت فرهنگی

جُدن‌‌ها به این دلیل می‌توانند پدید آیند و به جذب مردم بپردازند که مردم در جست‌وجوی معنایی هستند که احساس می‌کنند در دوره‌ای از تغییرات فرهنگی آن را از دست داده‌اند.

3. پاسخ‌‌دهی به پرسش‌های حیاتی

برای مثال، در آفریقا مردمی زندگی می‌کنند که در دین خود به‌دنبال پاسخ به جادوگری، شکست، رنج، بیماری، و مرگ و محافظت در برابر این امور هستند. به‌نظر می‌رسد که جُدِن‌ها با این مسائل وجودشناختی به‌شکلی باز برخورد می‌کنند و وعدۀ درمان‌های فوری، به‌‌خصوص شفابخشی‌های جسمی و روانی، می‌دهند.

4. جبران نقاط ضعف معنوی ادیان رسمی

هم در ساختار نهادهای دینی ـ معنوی سنتی و هم در زندگی جوامع دینی، به‌خصوص جوامع مسیحی که جُدِن‌ها در آن‌ها نفوذ می‌کنند، نقاط ضعفی وجود دارد. وقتی عالمان دین اعم‌از روحانیون، کشیشان، و خاخام‌ها معدود و کم‌یاب شوند، این جنبش‌ها بر بسیاری از رهبران و مبلغان مذهبی قدرت‌مندی که در زمانی نسبتاً کوتاه آموزش داده شده‌اند تأثیر می‌گذارند. آن‌ها در جایی که معتقدان دینی، مثلاً شیعیان یا کاتولیک‌ها، نسبت به آموزه‌های تشیع یا کاتولیک جهل دارند به‌شکلی بنیادگرایانه دست به تهاجم علیه *کتاب مقدس* می‌زنند. در جایی که شاهد اعتقادات نیم‌‌بند و بی‌‌تفاوتی‌های پسران و دختران مسیحی یا مسلمان یا یهودی یا دین‌های دیگری هستیم که هنوز به سطح مأموریت تبلیغی دین خود نرسیده‌اند و برای سازگارشدن با یک زندگی پایدار دینی هنوز شواهد و ادلۀ محکمی در دست ندارند، فرقه‌ها به عرضۀ پویایی‌های مخرب و تعهداتی قابل‌توجه می‌پردازند.[[20]](#footnote-20)

در جایی که تعالیم، به‌عنوان مثال تعالیم واقعی کاتولیک در باب نجات تنها به‌نام مسیح، ضرورت کلیسا و لزوم کار تبلیغی، و تغییر کیش مبهم باشند، فرقه‌ها به ارائۀ جای‌گزین‌هایی می‌پردازند. وقتی کلیساها بیش‌ازحد بزرگ و غیرشخصی هستند، این فرقه‌ها با ایجاد جوامعی کوچک برای افراد به آن‌ها احساس شناخته‌‌شدن، دیده‌شدن، قدردانی‌شدن، دوست‌داشته‌شدن، و برخوردارشدن از نقشی معنادار می‌دهند. هرگاه مردم عادی یا زنان احساس کنند که به حاشیه رانده شده‌اند، این گروهک‌ها نقش رهبری آن‌ها را به‌عهده می‌گیرند. در جایی که مراسم نیایش و مناجات مقدس به‌شیوه‌ای سرد و معمول صورت گیرد، این فرقه‌ها با مشارکت مردم به ارائۀ خدمات مذهبی می‌پردازند که با فریاد «سبحان‌‌الله» و «عیسی خداوند است» هم‌راه و با عبارات *کتاب مقدس* آمیخته است. وقتی فرهنگ‌‌سازی دینی هنوز در مراحل تردید خود به‌سر می‌برد، جُدِن‌‌ها زمینۀ ظهور گروه‌های مذهبی بومی را فراهم می‌سازند که به‌نظر می‌رسد به‌شکلی محلی ریشه‌ای مردمی دارند. در جایی که خطابه‌ها و مواعظ صرفاً عقلی و از بالای سر مردم به گوش آنان می‌رسد، جُدِن‌ها مصرانه از تعهد شخصی به مقدسات و پای‌بندی سرسختانه و تحت‌‌اللفظی به *کتاب مقدس* دم می‌زنند. در جایی که کلیساها یا مساجد یا کنیسه‌ها به‌نظر می‌رسد بیش‌ازحد به یک نهاد صرف با ساختارها و سلسله‌‌مراتب خاص تبدیل شده‌اند، جُدِن‌ها بر رابطۀ شخصی با خدا تأکید می‌کنند.

همۀ این روش‌های متداول در جُدِن‌ها سزاوار مقابله نیستند. پویایی شیوۀ تبلیغ آن‌ها، مسئولیت تبشیری آن‌ها در برابر نوکیشان، استفادۀ آن‌ها از رسانه‌های جمعی، و برنامه‌‌ریزی دقیق آن‌ها برای دست‌یابی به اهداف خود باید ما را به این پرسش از خودمان وادارد که چگونه باید به پویایی بیش‌تری در فعالیت‌های تبلیغی خود دست یابیم؟

البته، جُدِن‌ها گاه از روش‌هایی استفاده می‌کنند که با روح کتاب‌های مقدس در تضاد است، به‌دلیل‌ این‌که این روش‌ها به‌اندازۀ کافی به آرامش وجدان آدمی احترام نمی‌گذارند. البته، فقط محکومیت این روش‌ها کافی نیست، بلکه این نیز لازم است که به آماده‌‌سازی گروه‌های دینی ـ معنوی بپردازیم که به اطلاع‌‌رسانی و شکل‌‌دهی به مؤمنان بپردازند و به کمک جوانان و خانواده‌هایی بشتابند که خود را در این شرایط غم‌‌انگیز گرفتار می‌بینند.

5. پیروی از اعمال شیطانی

در میان تبیین‌هایی که برای توجیه ظهور و گسترش فرقه‌ها یا جُدِن‌ها صورت گرفته است گاه از اقدامات و اعمال شیطانی یاد می‌شود،[[21]](#footnote-21) حتی اگر این اعمال برای افراد درگیر این جنبش‌ها ناشناخته باشد. شیطان دشمنی است که وقتی مردم در خواب‌اند در بین گندم‌ها علف می‌افشاند.

6. تبعیت از پدیدۀ جهانی‌‌شدن

جُدِن‌‌ها از قرن گذشته، به‌خصوص در چهل سال گذشته، به ایالات‌ متحدۀ آمریکا نفوذ کرده‌اند. آن‌ها بیش‌تر از پروتستان‌‌گرایی برخاسته‌اند، اما از ادیان شرقی و از تلفیق عناصر دینی و روانی نیز ناشی شده‌اند. آن‌ها از ایالات متحده به آمریکای لاتین، آفریقای جنوبی، فیلیپین، و اروپا صادر شده‌اند.[[22]](#footnote-22)

در آمریکای لاتین، جُدِن‌ها تاحد زیادی از خاستگاهی مسیحی سرچشمه می‌گیرند و به‌طور کلی نسبت به کلیسای کاتولیک موضعی تهاجمی و منفی دارند و رهبر آن را اغلب بدنام می‌دانند. در مورد فیلیپین نیز وضع به همین منوال است.

در آفریقا، ظهور جُدِن‌ها بیش‌تر با بحران‌های پسااستعماری سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی و پرسش‌هایی در مورد فرهنگ‌‌سازی و میل آفریقایی به شفابخشی و کمک به مواجهۀ صحیح با مشکلات زندگی در ارتباط است.

در آسیا، جُدِن‌های محلی به‌نظر نمی‌رسد که تهدیدی عمده علیه کشورهایی باشند که مسیحیان در آن‌جا در اقلیت هستند، جز این‌که آن‌ها به اروپا و آمریکا صادر می‌شوند و در آن نقاط به جذب مردم از جمله روشن‌فکران می‌پردازند و پیش‌نهادهای التقاطی و باطنی خود را از قبیل آرامش، صلح، و روشنایی به آنان عرضه می‌کنند.

در اروپا، بحران جامعۀ فناورانۀ کاملاً سکولار که از چهل‌‌تکه‌شدن فرهنگی خود رنج می‌برد و دیگر نمی‌تواند به‌‌طور گسترده‌ای ارزش‌های اخلاقی و باورهای مذهبی خود را به‌اشتراک گذارد زمینۀ نفوذ و گسترش فرقه‌ها یا جُدِن‌هایی را که از آمریکا یا شرق آمده‌اند فراهم ساخته است.

د) چالش‌ها و مسائل ناشی از جُدِن‌‌ها

1. وحدت کلیسا

جُدِن‌‌ها در کشورهای مسیحی کاتولیک‌ها را از وحدت، صمیمیت، و هم‌دلی کلیساهای کاتولیک محروم ساخته‌اند. این صمیمیت و هم‌دلی بر وحدت ایمان، امید، و عشقی مبتنی است که از طریق خلسۀ تعمید حاصل می‌شود. این صمیمیت و اتحاد از آیین‌های کلیسایی، کلام خدا، و خدمات مسیحی تغذیه می‌کند.

2. وحدت‌‌گرایی

تمایز بین فرقه‌ها و جنبش‌های دینی نوظهور ازیک‌سو و کلیساها و دیگر نهادهای مذهبی جامع ازسویی‌دیگر امر مهمی است که باید به آن توجه داشت. بنابراین، تمایز بین روابط و تعاملات وحدت‌گرایانه بین کلیسای کاتولیک و فرقه‌ها را در این زمینه باید به‌‌دقت در نظر گرفت.

3. تضعیف و انکار ایمان

برخی از فرقه‌ها و جُدِن‌ها یا به تضعیف ارکان اصلی ایمان کاتولیک می‌پردازند یا عملاً آن‌ها را انکار می‌کنند. آن‌ها یک جامعۀ دینی انسان‌‌بنیان را به‌جای کلیسایی که پسر خدا بنیان‌گذاری کرده است عرضه می‌کنند.

4. رهایی از قید ایمان

در موارد شدیدتر، مسیحیان چه‌‌بسا به رهاکردن ایمان خود از طریق فعالیت‌های جُدِن‌ها بپردازند. برخی از جنبش‌ها به ترویج نوعی نو ‌‌ـ الحادگرایی می‌پردازند که انسان را به‌جای خدا در مرکز عبادت می‌نشاند و ادعای برخورداری از معرفتی فوق‌العاده می‌کند که خود را بالاتر از همۀ ادیان قرار می‌دهد. دیگر جُدِن‌ها در اموری از قبیل رمزگرایی، سحر و جادو، ارتباط با ارواح، و حتی پرستش شیطان درگیر می‌شوند.

5. خداناباوری و بی‌‌اعتقادی

برخی از جُدِن‌‌ها، به‌‌ویژه جُدِن‌هایی که به اعمال فشاری سنگین روی انسان می‌پردازند، می‌توانند راه را برای خداناباوری هموار کنند.

6. تبلیغ دینی

بسیاری از جُدِن‌ها از روش‌هایی استفاده می‌کنند که ناقض حقوق مقررشده در آزادی دینی سایر مؤمنان یا نهادهای مذهبی است. آن‌ها چیزهایی می‌گویند که از نظر دیگران درست نیست. آن‌ها نظر مردم آسیب‌پذیر مانند جوانان، فقیران، و جاهلان را با پول یا دیگر کالاهای مادی یا با بمباران سنگین فشارهای روانی و غیره به‌سوی خود جلب می‌کنند.

7. تهاجمی به‌سوی کلیسای کاتولیک

برخی از جُدِن‌ها موضعی تهاجمی، به‌خصوص نسبت به کلیسای کاتولیک، دارند. آن‌ها به‌نظر می‌رسد که بر مناطق کاتولیک، به‌ویژه مناطق سنتی مانند آمریکای لاتین و فیلیپین، تمرکز یافته‌اند. آن‌ها در تلاش برای دورساختن هرچه بیش‌تر کاتولیک‌ها از کلیساها هستند. به‌نظر نمی‌رسد که آن‌ها در راه کوشش‌های تبلیغی در مورد افرادی که هنوز به مسیح باور ندارند اصراری داشته باشند. آن‌ها همانند دولت‌های کمونیست یا جریان‌های برانداز دولت حتی با ضعیف یا ناکام نشان‌دادن تلاش‌های کاتولیک به تفسیری اشتباه از این تلاش‌ها دست می‌زنند.

8. آسیب روانی افراد

برخی از جُدِن‌ها هستند که از طریق روش‌های استخدام و آموزش افراد و اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه برای جلوگیری از خروج اعضای خود از جنبش به واردکردن آسیب‌های روان‌شناختی به این افراد می‌پردازند.

9. رابطه با جامعه

برخی از جُدِن‌‌ها، به‌دلیل ناهنجاری‌های اجتماعی خود، ناکامی در آموزش اعضا برای تبدیل‌شدن به شهروندانی که وظایف خود را به دوش دیگران نگذارند، و ایجاد سردرگمی اجتماعی برای پیروان خود مشکلاتی را برای جامعه یا دولت به‌وجود آورده‌اند.

همۀ این موارد پیش‌‌گفته نشان‌‌دهندۀ این است که این پدیده و مسائل و چالش‌های ناشی از آن باید جدی گرفته شود.

ﻫ) اهمیت و جایگاه جُدِن‌‌ها

1. اهمیت آماری جُدِن‌‌ها

صرف‌‌نظر از این حقیقت که شمار فراوان و غیرمنتظره‌ای از جُدِن‌ها اکنون در جهان حاضر درحال‌توسعه و نفوذ هستند و تعداد قابل‌توجهی از اشخاص تحت تأثیر این جنبش‌ها قرار دارند اهمیت واقعی ادیان جدید در جامعۀ مدرن اهمیتی آماری نیست. تردیدی نیست که هریک از این جنبش‌ها نشانگان تبدیل‌شدن به یک سنت دینی بزرگ را در زندگی نسل‌های اول و دوم و حتی سوم اعضای خود دارند. این موضوع در مقایسه با ژاپن کم‌تر صادق است؛ زیرا آمار نشان می‌دهد که در حدود ده تا دوازده درصد از جمعیت این کشور پیروان یک یا چند مورد از جُدِن‌ها هستند و جنبشی مانند سوکا گاکای ادعا می‌کند که دارای چند میلیون پیرو است ـ اما حتی رشد تحسین‌‌برانگیز این جنبش حداقل درحال‌حاضر متوقف شده است ـ ولی باید در نظر داشت که حداقل هشتاد درصد از مردم این کشور از هیچ‌‌یک از جُدن‌‌ها پیروی نمی‌کنند.[[23]](#footnote-23)

اما به‌‌واقع، اکنون چه تعداد جُدِن در جهان وجود دارند؟ پاسخ اجمالی و کوتاه به این پرسش این است که نمی‌توان دراین‌باره حکمی دقیق صادر کرد؛ زیرا درحقیقت، ما آماری دقیق دراین‌باره دراختیار نداریم تا بتوانیم به‌ضرس‌قاطع به اظهارنظر بپردازیم، اما برای ارائۀ پاسخ تفصیلی به این پرسش باید روشن سازیم که مرادمان از یک جُدِن چیست. آیا ما هر گروه عصر جدیدی را در جُدِن‌ها داخل می‌کنیم یا آن‌ها را دربست درقالب یک «جنبش» مجزا در نظر می‌گیریم؟ آیا جنبش‌های موجود در سنت‌های حاکم از قبیل اُپوس دِی و فوکولِر یا جنبش کلیسای خانگی ـ هر کلیسای خانگی ـ را جزء جُدِن‌ها می‌دانیم؟ در مورد کلیساهای مستقل آفریقایی یا کلیسای اصلاح‌‌طلب متحد چه باید بکنیم؟ آیا گروه‌های خود ـ ادیان یا پتانسیل انسانی را واقعاً باید درزمرۀ جنبش‌های دینی نوظهور دانست؟ منظور از نوظهور/ جدید چیست و کدام نوظهور/ جدید نوظهور/ جدید است؟ در مورد فرقه‌هایی از قبیل سوبود، ودانتا، یا شاهدان یهوه چه می‌توان گفت که در کشوری مانند ایتالیا هرگاه سخن از جُدِن‌ها می‌شود به‌عنوان نخستین فرقه‌هایی از این ‌دست به ذهن خطور می‌کنند؟ آیا حتی می‌توانیم جنبش ضد فرقه را‌ ـ که شاخه‌هایی از آن از همان ویژگی‌هایی برخوردارند که خود ضدفرقه‌‌‌‌گرایان به فرقه‌ها نسبت می‌دهند ـ جزء جُدِن‌ها به‌شمار آوریم؟

2. تعاریف جنبش‌ها

در این مورد، البته هیچ پاسخ درستی وجود ندارد. هرچند، می‌توان به تعاریفی متنوع و فراوان اشاره کرد که هریک از آن‌ها از زاویه‌ای خاص از جمله جغرافیا، تبار شرقی یا غربی بودن، ویژگی‌های عضویت و سازمانی، نوع اعتقادات متافیزیکی، و غیره به تعریف جدِن‌‌ها پرداخته‌‌اند. اما درواقع، این تعاریف را می‌توانیم به تعاریف بیش‌تر یا کم‌تر مفید، نه بیش‌تر یا کم‌تر درست طبقه‌بندی کنیم. یکی از تعاریفی که به‌دلایل صرفاً عملی می‌تواند موردتوجه قرار بگیرد این است که یک جُدِن را وقتی نوظهور می‌خوانیم که از زمان جنگ جهانی دوم به‌شکل فعلی قابل‌مشاهده شده است و به آن دینی می‌گوییم نه به این معنا که صرفاً به ارائۀ گزاره‌های الهیاتی خاصی در مورد وجود و ماهیت موجودات فراطبیعی می‌پردازد، بلکه به این معنا که به عرضۀ پاسخ‌هایی به حداقل برخی دیگر از پرسش‌های غایی می‌پردازد که به‌‌طور سنتی به‌‌وسیلۀ ادیان حاکم طرح می‌شوند. برخی از این پرسش‌ها عبارت‌اند از: آیا خدا وجود دارد؟ من کی هستم؟ چگونه ممکن است به جهت، معنا، و هدف زندگی دست پیدا کنم؟ آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟ آیا حقیقت انسان‌ها چیزی بیش از بدن فیزیکی خود و فعل‌وانفعالات بی‌واسطه با دیگران است؟

3. تعداد جنبش‌ها

شامَجُد (شبکۀ اطلاعات معطوف به جنبش‌های دینی)[[24]](#footnote-24) فهرستی شامل بیش از دو هزار گروه مختلف را ارائه می‌کند که بیش‌تر (اما نه همه) آن‌ها را می‌توان جُدِن نامید. باتوجه‌به‌این‌که ممکن است گروه‌های بسیاری وجود داشته باشند که ما در مورد آن‌ها چیزی نشنیده‌ایم، پس نباید بی‌‌دلیل چنین فرض کنیم که با احتساب انشعابات آن‌ها ـ اما نه شاخه‌های یک گروه که نام‌هایی مختلف دارند ـ بیش از دو هزار گروه مجزا در اروپا یا جهان وجود دارند. گوردون مِلتون که تعریفش از جُدِن‌‌ها تعریفی بسیار تَنگ‌وتُنُک است و مانع شمول گروه‌های پتانسیل انسانی می‌شود اطلاعاتی در مورد نزدیک به هزار گروه در آمریکا فراهم کرده است.[[25]](#footnote-25) یک محقق ژاپنی، به‌نام شیمازونو، معتقد است که برآوردهای علمی در مورد تعداد جُدِن‌ها در ژاپن از هشت‌صد تا چند هزار متغیر هستند.[[26]](#footnote-26) چندین سال پیش، هارولد تِرنِر برآورد کرد که ده‌ هزار دین جدید با بیش از دوازده میلیون پیرو در بین قبایل آمریکا، آسیا، آفریقا، و استرالیا دیده می‌شود.[[27]](#footnote-27) او کلیساهای مستقل آفریقایی را در این برآورد داخل کرده است، اما تعداد بی‌شماری از ادیان جدید ممکن است در هند یافت شوند و چندصد دین نیز در جنوب آمریکا، استرالیا و نیوزیلند و در نقاطی مانند غرب هند، کره، و فیلیپین وجود دارند. خلاصه، تعداد جُدِن‌ها بااین‌که به‌وضوح وابسته به تعریف مورداستفاده در مورد آن‌هاست، باتوجه‌به تعریف گسترده‌ای که از آن‌ها صورت گرفت، به احتمال زیاد در حدود دوهزار یا بیش از دوهزار فرقه در غرب و احتمالاً حدود ده‌ها‌هزار فرقه در سراسر جهان است.

4. شمار اعضا و پیروان

تلاش در جهت ارزیابی جنبش‌ها تلاشی مذبوحانه است؛ زیرا بسیاری از جنبش‌ها آمار مربوط به مشخصات اعضای خود را یا ثبت نمی‌کنند یا مخفی نگه می‌دارند یا (معمولاً به‌سمت بالا) تحریف می‌کنند. می‌دانیم که برخی از جُدِن‌‌ها فقط اعضایی انگشت‌‌شمار دارند، درحالی‌که دیگر جُدِن‌‌ها صدها یا هزاران نفر عضو دارند و فقط اندکی (یعنی فقط تعداد بسیار کمی با هر اعتباری) مدعی دارابودن میلیون‌ها عضوند.

5. تعاریف عضویت

علاوه‌براین، طیف گسترده‌ای از سطح عضویت در بین جُدِن‌ها دیده می‌شود: اعضای کاملاً متعهدی (مانند راهب‌ها یا راهبه‌‌ها) که زندگی خود را وقف جنبش می‌کنند، در جامعۀ مربوط به جنبش زندگی می‌کنند و به‌کار تمام‌‌وقت برای جنبش می‌پردازند؛ اعضای وابسته (شبیه به اعضای جماعت) که ممکن است به‌صورت هفتگی یا برای یک دوره برای عبادت به یک مرکز ‌آیند و اعضای حامی (یا اعضای «اسمی») که ممکن است به‌‌طور کلی با اعتقادات و مناسک جُدِن‌ها موافقت داشته باشد، اما زندگی آن‌ها به‌طور گسترده یا عمیق تحت تأثیر وابستگی ثانوی خود قرار ندارد. درحالی‌که به‌دلیل برخی از اهداف، فقط اعضای متعهدند که موردشمارش قرار می‌گیرند، در زمان‌های دیگر یا در جنبش‌های مختلف، می‌توان حتی کسانی را به‌شماره آورد که مدعی‌اند که با برخی از اعتقادات جنبش موردنظر خود، به شکلی کلی، هم‌دلی نشان می‌دهند.

6. شمارش مجدد

سردرگمی بیش‌تر ممکن است در نتیجۀ شمارش مجدد به‌وجود آید. این غیرممکن نیست ‌ـ درواقع، در طیف جُدِن‌ها هرچه به پایان عصر جدید حرکت می‌کنیم، این امر کاملاً رایج است ‌ـ که افرادی هم‌زمان عضو متداخل دو جنبش باشند و با خوش‌حالی از یک جنبش «خود ـ دین»[[28]](#footnote-28) به جنبش دیگری روی آورند. البته به‌‌طور مثال، برای جویندگان متعهد در کالیفرنیا، آمستردام، یا هایگِیت[[29]](#footnote-29) ناممکن است که بیست دقیقه از هر روز خود را قبل از شروع تمرین تای‌‌چی[[30]](#footnote-30) صرف مراقبۀ متعالی کنند و سپس روز دوشنبه در یک نشست هدایت (کانال کردن)[[31]](#footnote-31) شرکت کنند، در روز سه‌شنبه با کمک ـ مشاورۀ خود دیدار کنند، روز چهارشنبه در درس الکساندر[[32]](#footnote-32) حضور یابند، در روز پنج‌شنبه به تماشای ویدیوهای اُشو[[33]](#footnote-33) بپردازند و در طول تعطیلات آخر هفته در یک سمینار تبادل نظر[[34]](#footnote-34) شرکت جویند. دو ماه بعد ممکن است آن‌ها را در حال خواندن نیایش هِیر کریشنا[[35]](#footnote-35)، اُم شانتی[[36]](#footnote-36)، یا شاید نام میوهو رِنگِ کیو[[37]](#footnote-37) ببینید.[[38]](#footnote-38)

7. جابه‌جایی اعضا

علاوه‌براین، یکی دیگر از عوارض ظهور جُدِن‌‌ها مسئلۀ بغرنج نرخ بالای جابه‌جایی اعضای آن‌هاست. هم جنبش‌ها و هم مخالفان آن‌ها تمایل به برجسته‌ساختن این ویژگی بسیاری از جُدِن‌های شناخته‌شده دارند. ازیک‌سو، چند دین جدید مشتاق انتشار این واقعیت‌اند که تعداد قابل‌توجهی از اعضای آن‌ها به اهداف و خواسته‌های جنبش دست یافته‌اند و ازسویی‌دیگر، ضدفرقه‌‌گرایانی که مشتاق دفاع از «نظریۀ شست‌وشوی مغزی» هستند نمی‌خواهند به انتشار این واقعیت دست بزنند که «قربانیان» به خواست و ارادۀ آزاد خود نه‌تنها می‌توانند به ترک بسیاری از جُدِن‌هایی بپردازند که متهم به بهره‌‌گیری از فنون غیرقابل‌مقاومت و برگشت‌‌ناپذیر کنترل ذهن می‌شوند، بلکه درعمل به ترک آن‌ها دست می‌زنند.[[39]](#footnote-39)

تاآن‌جاکه به علایق کنونی ما مربوط می‌شود، این بدان معنی است که اغلب، این تعدادْ تعداد مردمی است که از یک جنبش عبور کرده‌اند نه اعضای فعلی که به‌شمارش درمی‌‌آیند. باتوجه‌به آشنایی ما با تعبیر «یک‌‌بار کاتولیک، همیشه کاتولیک»[[40]](#footnote-40)، نباید تعجب کنیم که کلیسای سایِنتولوژیست‌‌ها[[41]](#footnote-41) همۀ کسانی را که در یکی از دوره‌های ساینتولوژی شرکت کرده‌اند، از اعضای خود به‌شمار آورده‌اند حتی اگر آن‌ها سال‌ها هیچ ارتباطی با جنبش نداشته باشند و احتمالاً حتی اگر آن‌ها از تندوتیزترین مخالفان جنبش شده باشند.

نمی‌توان انکار کرد که هیچ راهی وجود ندارد که بتوانیم دوره‌ای را (البته برای اهداف پژوهشی) در زمینۀ اِست[[42]](#footnote-42) یا تبادل نظر[[43]](#footnote-43) بگذرانیم و از طریق آن در زمینۀ فرقۀ مزبور نتوانیم فارغ‌‌التحصیل شویم. به این معنا ـ و اجازه دهید به‌اصرار فرض کنیم که فقط در این معنا‌ ـ ضدفرقه‌‌گرایانی که در نتیجۀ مشاهدۀ مشارکت ما در این دوره‌ها اتهام «شمرده‌شدن» در بین اعضای فرقه را به ما می‌زنند، بدون شک، حق دارند.

8. محیط فرقه‌ای

یکی از مسائلی که به‌هنگامِ ارزیابی ادیان جدید و بررسی دغدغه‌هایمان نسبت به آن‌ها باید در نظر آوریم ـ چیزی که درعین‌حال ما را نسبت به بخش «حائز اهمیت» این مطالعات سوق می‌دهد ـ مسئله‌ای است که کالین کَمپ‌بِل[[44]](#footnote-44) دربارۀ آن به‌طور گسترده نوشته و از آن با عنوان محیط فرقه‌ای یاد کرده است.[[45]](#footnote-45)

یکی از ویژگی‌های جامعۀ مدرن که جامعه‌شناسان دین، از جمله دورکیم[[46]](#footnote-46)، وبر[[47]](#footnote-47)، و ویلسون[[48]](#footnote-48)، بارها به آن اشاره کرده‌اند این است که دین سازمان‌‌یافته دیگر از آن نوع سلطه‌ای که در دوران گذشته بر نهادهای اجتماعی دارا بود برخوردار نیست. دین به‌طور فزاینده‌ای به اوقات فراغتی تبدیل شده است که ممکن است «خصوصی ‌شده»، «فردی‌ شده»، یا حتی به‌قول لاکمَن[[49]](#footnote-49)، «نامشهود» شده باشد. سازمان‌های دینی رایج از زیان‌های قابل‌توجه ناشی از فقدان عضویت در بسیاری از نقاط اروپا و در مورد برخی از فرقه‌ها ـ و نه همۀ آن‌ها ‌ـ از فقدان شارحان و مفسران آن‌ها در ایالات متحده رنج زیادی را متحمل شده‌اند. همۀ کسانی که در مورد مواضع دینی مردم در جوامع جهانی، به‌ویژه جوامع غربی، به تحقیق پرداخته‌اند، همگی با این تعبیر مشهور کاملاً آشنا هستند: «برای یک مسیحی خوب بودن لازم نیست به کلیسا بروید».

درهمین‌حال، ما به‌جای یک فرهنگ نسبتاً همگن، منسجم، و کم‌‌وبیش مشترک شاهد رشد پلورالیسم دینی، درهم‌آمیختگی با تغییرات اجتماعی متعدد مانند افزایش تحرک اجتماعی و جغرافیایی، حق رأی همگانی، آموزش‌وپرورش جهانی، و تجزیۀ ساختار شغلی سنتی، ارزش‌های سنتی و ساختارهای قدرت هستیم که همه می‌توانند به یک نارضایتی یا حداقل بازنگری نسبت به عقاید و اعمالی منجر شوند که به‌‌وسیلۀ والدین یا دیگرانی که نقش قدرت را ایفا می‌کنند منتقل شده‌اند و درنتیجه، «اقتضای» بالقوه‌ای (در مفهوم اقتصادی) را برای راه‌های جای‌گزین تأمین نیازهای معنوی و دینی ایجاد کنند.

از حیث «عرضه»، اگرچه باید به یاد داشته باشیم که بسیاری از کلیساهای سنتی هنوز بیش از هریک از جُدِن‌‌ها به عرضۀ دین برای مردم بیش‌تری می‌پردازند، باید توجه داشته باشیم که ما در حال گسترش فعالیت‌های تبلیغی و افزایش مهاجرت هستیم؛ عاملی که ملتون[[50]](#footnote-50) بارها به آن اشاره کرده است آسان‌بودن قوانین مهاجرتی ایالات متحده در سال 1965 است که به تعدادی از گوروها اجازۀ ورود به ایالات متحده داده و درنتیجه، باعث ترویج و رشد ادیان با ریشه‌های شرقی در آن‌جا شده است. البته همۀ این‌ها با توسعۀ شبکۀ رسانه‌ای جمعی (که از همۀ شیوه‌های تجهیز از جمله دستگاه‌های الکترونیکی، ماهواره‌ای، و اینترنت بهره برده است) هم‌راه بوده که موجب تورم انواع منابع دینی در طیفی گسترده شده که در دست‌رس همۀ کسانی است که در این محیط فرهنگی مشارکت می‌کنند. انواع گوناگونی از عقاید را در این‌جا شاهدیم. بسیاری از این عقاید که از جنبش دینی نوظهور سرچشمه می‌گیرند، حامل آن‌ها هستند و به‌‌وسیلۀ آن‌ها تقویت می‌شوند.

این امر به‌ویژه در تعدادی از عقاید عصر جدیدی مانند معنویت شخص ـ محور[[51]](#footnote-51) یا پتانسیل توسعۀ فردی[[52]](#footnote-52) آشکارا دیده می‌شود. درحالی‌که پنجاه سال پیش جز بخش بسیار کوچکی از مسیحیان به‌طور جدی به تناسخ عقیده نداشتند، نظرسنجی ارزش اروپایی[[53]](#footnote-53)، برنامۀ بین‌‌المللی بررسی اجتماعی[[54]](#footnote-54)، و چندین پروژۀ تحقیقاتی دیگر به ما می‌گویند که جمعیتی بین یک‌‌پنجم تا یک‌‌چهارم مردم اروپا و آمریکای شمالی اکنون بر این باورند که ما پس از ترک این بدن جسمانی فانی دوباره در قالب بدنی دیگر به این جهان باز خواهیم گشت. چنین عقیده‌ای از سوی 24 درصد از اهالی انگلستان نیز گزارش شده است؛ هرچند باید به این نکته نیز توجه نشان داد که بسیاری از این پاسخ‌دهندگان اعتقاد به رستاخیز بدن در روز قیامت را نیز گزارش کرده‌اند؛ البته بین این دو اعتقاد ضرورتاً تضادی نیست؛ زیرا بسیاری از الهی‌‌دانانی که از تعالیم تئوسوفیانه[[55]](#footnote-55) نیز برخوردارند این دو اعتقاد را اساساً مکمل یک‌دیگر می‌دانند. آن‌چه قابل‌تردید است اثبات این امر است که 24 درصد از مردم انگلستان دارای چنین اعتقاداتی باشند.

نکته‌ای که باید در این‌جا به آن اشاره کنیم این است که وقتی تلاش می‌کنیم ظهور یا اهمیت جُدِن‌ها را به‌تصویر بکشیم، باید حداقل از وجود کسانی آگاه باشیم که عضو رسمی هیچ جُدِن خاصی نیستند. هستند کسانی که ممکن است به هر نحوی با فرقه‌ای در ارتباط باشند، اما «پذیرنده» و حتی حامل عقاید و مناسک جُدِن‌ها نیستند.

وقتی به این دسته از افرادی که بر اهمیت اجتماعی جنبش‌ها می‌افزایند توجه می‌کنیم ممکن است در وهلۀ اول وجود اعضای رسانه‌ها را تشخیص دهیم که از عقاید جُدِن‌ها استفاده می‌کنند، به ترویج آن‌ها می‌پردازند و در وهلۀ دوم به ‌وجود اعضای ادیان رایج پی می‌بریم که عقاید و مناسکی را اتخاذ کرده‌اند که از جُدِن‌ها نشئت گرفته یا از طریق آن‌ها منتقل شده‌اند. در وهلۀ سوم، از وجود مدیران و دیگر اعضای شاغل در شرکت‌های کسب‌وکار آگاه می‌شویم که به دوره‌هایی دعوت یا شرکت داده می‌شوند که آزادانه با عقاید و مناسک جُدِن‌ها آغشته شده‌اند. و در وهلۀ چهارم، اعضای جنبش ضدفرقه هستند که چنین نقش مهمی را در ترویج ویژگی‌های سطح بالایی که جُدِن‌های خاص و اعضای آن‌ها در سه

1. . Sects [↑](#footnote-ref-1)
2. . Sect [↑](#footnote-ref-2)
3. . New Religious Movements [↑](#footnote-ref-3)
4. . New Religions [↑](#footnote-ref-4)
5. . Marginal Religions [↑](#footnote-ref-5)
6. . Free Religious Movements [↑](#footnote-ref-6)
7. . Altenative Religious Movement [↑](#footnote-ref-7)
8. . Marginal Religious Groups [↑](#footnote-ref-8)
9. . Cults [↑](#footnote-ref-9)
10. 8. البته گفتنی است که لیندا وودهد، پاول هیلاس، و واتنو و به‌تبعِ آن‌ها برخی از نویسندگان جدیدتر این اصطلاح را دربارۀ معنویت فرهنگی و غیرساختارمند جدید به‌کار نمی‌‌برند. [↑](#footnote-ref-10)
11. . Elisabeth Arwek [↑](#footnote-ref-11)
12. . Arwek, Elisabeth (2002), ***New Religious Movements***, First Published, New York: Rutledge, p. 67. [↑](#footnote-ref-12)
13. . Human Potential [↑](#footnote-ref-13)
14. . New Age Groups [↑](#footnote-ref-14)
15. . Healling Religious Groups [↑](#footnote-ref-15)
16. . Divine Potential [↑](#footnote-ref-16)
17. . New Magical Movements [↑](#footnote-ref-17)
18. . Rev. Lawrence J. Gesy (2010) *,Todays Destructive Cults and Movements*, Sunday Visitor Press, 200 Noll Plaza, Huntington, p. 4. [↑](#footnote-ref-18)
19. .Rev. Lawrence J. Gesy *,Todays Destructive Cults and Movements*, p. 3. [↑](#footnote-ref-19)
20. 2. برای مطالعه در زمینۀ تأثیر مخرب فرقه‌‌ها در فضای مسیحی بنگرید به:

    John Paul II: Address to Mexican Bishops, 6, on May 12, 1990, in: »L'Osservatore Romano«, English Edition, May 14, 1990, p. 2. [↑](#footnote-ref-20)
21. . Ibid., p. 5. [↑](#footnote-ref-21)
22. . Ibid., pp. 5-7 . [↑](#footnote-ref-22)
23. . Susumu Shimazono (1991), “New Religions and the New Spirituality Movement: Two Types of Religious Movements in Advanced Industrial Societies”, Paper Given at the Santa Barbara Centre for Humanistic Studies Conference *New Religions in a Global Perspective*, Buelton, California, p. 3. [↑](#footnote-ref-23)
24. . INFORM (Information Network Focus on Religious Movements)

    شامَجُد یک مؤسسۀ خیریه است که به پشتوانۀ مدرسۀ اقتصاد لندن و با حمایت کلیساهای خانگی و حاکم در سال 1988 به‌‌وسیلۀ ایلین بارکِر به‌منظور فراهم‌آوردن اطلاعاتی معتبر و روزآمد در مورد ادیان جدید تأسیس شد. برای تماس با این پایگاه اطلاعاتی به نشانی زیر می‌توان مراجعه کرد:

    Houghton St, London WC2A 2AE, England; Tel: 0171 955 7654, fax: 0171 955 7677; e-mail INFORM@LSE.AC.UK. [↑](#footnote-ref-24)
25. . J. Gordon Melton (1993), *Encyclopedia of American Religions* Detroit: Gale. 4th edition. [↑](#footnote-ref-25)
26. . *Shimazono op cit.* [↑](#footnote-ref-26)
27. . Harold Turner (1984), “New Religious Movements in Primal Societies”, in John Hinnells (ed.), *The Penguin Dictionary of Religions*, Harmondsworth, p. 232. Second edition: *A New Dictionary of Religions*, Oxford: Blackwell, 1995, p. 350. [↑](#footnote-ref-27)
28. . Self-Religion [↑](#footnote-ref-28)
29. . Highgate [↑](#footnote-ref-29)
30. . Tai Chi [↑](#footnote-ref-30)
31. . Channelling [↑](#footnote-ref-31)
32. . Alexander Lesson [↑](#footnote-ref-32)
33. . Osho [↑](#footnote-ref-33)
34. . Forum Seminar [↑](#footnote-ref-34)
35. . *Hare Krishna* [↑](#footnote-ref-35)
36. . *Om Shanti* [↑](#footnote-ref-36)
37. . *Nam Myoho Renge Kyo* [↑](#footnote-ref-37)
38. . Barker, Eileen (1999), *New Religious Movements: Their Incidence and Significance,* In: Wilson, Bryan and Jamie Cresswell (eds.), New Religious Movements: Challenge and Response. Routledge, London, UK, p. 4. [↑](#footnote-ref-38)
39. . Eileen Barker (1989), *New Religious Movements: A Practical Introduction*, London: HMSO, Fifth Impression With Amendments, 1995, pp. 104-105. [↑](#footnote-ref-39)
40. . Once a Catholic, Always a Catholic [↑](#footnote-ref-40)
41. . Church of Scientologist [↑](#footnote-ref-41)
42. . *Est* [↑](#footnote-ref-42)
43. . Forum [↑](#footnote-ref-43)
44. . Colin Campbell [↑](#footnote-ref-44)
45. . Colin Campbell (1972), “The Cult, The Cultic Milieu and Secularization”, in: Michael Hill (ed.), *Sociological Yearbook of Religion in Britain*, London: SCM Press, pp. 119-36. [↑](#footnote-ref-45)
46. . Durkheim [↑](#footnote-ref-46)
47. . Weber [↑](#footnote-ref-47)
48. . Wilson [↑](#footnote-ref-48)
49. . Uckmann [↑](#footnote-ref-49)
50. . Melton [↑](#footnote-ref-50)
51. . Person-Centred Spirituality [↑](#footnote-ref-51)
52. . Potential of Individual Development [↑](#footnote-ref-52)
53. . European Value Surveys [↑](#footnote-ref-53)
54. . International Social Survey Programme [↑](#footnote-ref-54)
55. . Theosophical [↑](#footnote-ref-55)